

مفتش بزرگ

تو همه اختیارات خود را به پاپ تفویض کرده‌ای و اکنون همه قدرت در دست پاپ است و هیچ نیازی بدان نبود که تو به اینجا بیایی و باعث ناراحتی ما شوی... بار دیگر به تو می‌گویم فردا همین گله مطیعی که می‌بینی به یک اشاره من در آتشی که برای سوزاندن تو روشن خواهم کرد و ترا در آن برای ایجاد مزاحمت در راه ما خواهم سوزانید، هیزم خواهند ریخت، زیرا هر گاه کسی باشد که مستوجب سوخته شدن در آتش ما باشد، بدون شک تو هستی. فردا ترا خواهم سوزاند!

فقره فوق، بخشی از دیالوگ میان «مفتش بزرگ» و مسیح در رمان درخشان «برادران کارامازوف»، نوشته داستایفسکی است؛ مفتش بزرگ که لباس مجلل اسقفی بر تن دارد و نماینده کلیسای کاتولیک است، به مسیح که دوباره برگشته و خلاقیتی که دلی در گرو آئین مسیحیت دارند، گردش جمع شده‌اند، عتاب می‌کند و با ناراحتی می‌گوید: همه اختیاراتت اکنون در دست پاپ است و نیازی به حضور دوباره تو نیست.

تولستوی نیز در اثر ماندگار «پادشاهی خداوند درون شماست»، زبان به نقد مسیحیت رسمی و کلیسا می‌گشاید و تفسیر رسمی از دین را فرو می‌نهد و شخص مسیح و میراث اخلاقی - معنوی او را برمی‌کشد و رهگشا می‌انگارد. وی به سبب نقدهای آشکارش بر وضعیت کلیسا در روسیه قرن نوزدهم، توسط کلیسای ارتدوکس تکفیر شد.

کیر که گارد هم، هر چند «حقیقت ابدی» را در مقابل «حقیقت سقراطی» می‌نشانند، مفتون شخصیت ابراهیم در متن مقدس بود و از «جهش ایمانی» سخن می‌گفت و با ایمان شورمندانه بر سر مهر بود؛ اما روی خوشی به کلیسا نداشت و ترجیح داد در مراسم تدفین او، هیچ کشیشی حاضر نشود.

سه شخصیت برجسته و دورانساز قرن نوزدهمی فوق که در سنت مسیحی بالیده بودند، به رغم باورمندی به شخص مسیح و آموزه‌های «عهد جدید»، مفسران رسمی مسیحیت را نمی‌پسندیدند. در عین حال، چون قدرت کلیسا بسان قرون پانزدهم و شانزدهم نبود، بسان جردانو برونو زنده زنده در آتش سوزانده نشدند و نظیر اسپینوزا، کاهنان یهودی لعنت فرشتگان را برایشان آرزو نکردند و مجبور به ترک دیار و کاشانه نگشتند.

مخالفت با قرائت رسمی از دیانت و حاملان آن، در درازنای تاریخ یهودیت و مسیحیت، امری صعب و خطر خیز بوده و متضمن رنج بردن و گذشتن از راحتی و امنیت و جان. خوانش غیر رسمی از دین که در ابتدا به نهالی ظریف می‌ماند، خوشبختانه در سده‌های اخیر رونق یافته و سر برآورده، بدل به درخت تنومندی شده و جای خود را باز کرده است.

امیدوارم در سنت اسلامی نیز، این نهال دل‌انگیز که در قرون اولیه به مدد فیلسوفان و عرفای مسلمان کاشته شده و در روزگار کنونی توسط نواندیشان دینی آبیاری گشته، بیش از این بپاید و بسط یابد و دریا صفت، نزدیکان را گوهر بخشد و دوران را باران